هو الابهی

ط

جناب ادیب دبستان الهی علیه بهآء اللّه الابهی

هو الابهی

ای شمع انجمن بهائیان در این چمن چون گل و یاسمن بشکفتی و چون مرغ سحر لئالی معانی سفتی و مرغان چمن الهی را بوجد رحمانی و طرب روحانی آوردی و محافل بهائیان بیاراستی و مجامع ملکوتیان زینت بخشیدی مؤیّد بجنود ملکوت گردیدی و موفّق بتأیید قواء جبروت جمال قدم و اسم اعظم پشت و پناه ماست و ملجأ و ملاذ آگاه عنقریب ملاحظه فرمائی که رویت در زجاجهٴ عون و صونش چون شمع روشن است و خویت گلستان عنایت ذو المنن روح القدس تلقین مینماید و روح الامین تأیید قواء غیبیّه ظهیر است و الهامات لا ریبیّه دبیر و مشیر الآن این عبد آستان بها در محلّی تنها در دامنهٴ کوه کرمل خامه در دست و بیاد روی و خوی تو مألوف و بتحریر مشغول اگر بدانی بچه حالت بکتابت پرداخته‌ام البتّه شوق و انجذاب و شور و اشتعال چنان استیلا نماید که و من حرقتی نار الخلیل کجذوة بر زبان رانی و جمیع طوارء و احوال فراموش فرمائی چه که الحکم للغالب ثابت است چون روح و ریحان غالب گردد غموم و احزان غائب شود چون نور طلوع کند ظلمات افول نماید یعنی محو و نابود گردد و البهآء علیک

 اللّهمّ یا الهی افض علی حقیقة ذات عبدک المنجذب بفیض شهودک و لذّة جودک حتّی یصبح شهوده لذّة ذاتیّة الهیّة ساریة جاریة فی جمیع ارکانه و اعضآئه و جوارحه و احشآئه و حقّقه یا الهی بانسانیّة تکن انسان العین الکلّی لا یحصرها شئ و لا یقدر قدرها سواک و اسمعه یا الهی لذیذ خطابک فی کلّ حال من احواله بکلّیّته حتّی لا یحرم جزء من اجزآئه من لذّة الخطاب یا عزیز و یا وهّاب و انّی یا الهی حقّقنی بعبودیّة محضة لا نفحة ربوبیّة فیها حتّی ترسخ قدم عبودیّتی رسوخاً و ثبوتاً لا تزلزله تجلّی مشاهد الکبریآء و لا اذهل عنها عند فیض تجلّیات الملکوت الابهی و اذقنی یا الهی حلاوة تلک العبودیّة فی کلّ احوالی و اطواری و انفاسی و احساسی حتّی تتجلّی علیّ هی حقیقة ابدیّة فیصبح ذاتی صدقاً محضاً خالصاً ابدیّاً سرمدیّاً فانّ العبودیّة هی ترجمة الدّیوان الالهی یا رحمانی فاجعلنی بکلّیّتی مستغرقاً فی بحرها مقترفاً من فیضها مغترفاً من نهرها ثمّ اکشف لی یا الهی عن سرّ قیّومیّتک الّتی قامت بها کلّ الاشیآء لعلّی اطّلع علی حقیقة الاستوآء الفائضة علی المراتب و المقامات و الجامعة للحقائق الکونیّة باسرها المستفیضة من فیض القدم و المستفیدة من مواهب الاسم الاعظم ثمّ اجعل عبدک الادیب خائضاً فی هذا البحر العمیق و ایّده علی ابرآء الاکمة و الابرص و الاصمّ یا جلیل النّعم و عظیم الکرم انّک انت الکافی الوافی الحافظ المقتدر العزیز الرّحیم ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۹ فوریه ۲۰۲۴، ساعت ۴:۰۰ بعد از ظهر